

آشنایی با روش تیج

مؤلف: گری. ب. میسلیلو

مترجم: زهرا اصلانی

مقاله زیر، به قلم دکتر گری میسیوف مدیر بخش آشنایی با روش تیج، ضمن تأکید بر ارزش‌ها و اهداف برنامه و فلسفه تیج درک و فهم آن را مورد خطاب قرار می‌دهد. بیانیه مأموریت قبل از مقاله دکتر میسیوف آمده است.

بیانیه‌ی مأموریت

مأموریت تیج عبارت‌اند از: قادر ساختن افراد درخودمانده (مبتلا به اتیسم) به عملکرد تا حد ممکن معنادار و مستقل در جامعه: آرایه خدمات نمونه به افراد مبتلا به اتیسم (درخودماندگی)، خانواده آنها و کسانی که به آنان خدمت یا از آنها حمایت می‌کنند. به عنوان یک عضو جامعه دانشگاهی، دانش‌زایی، یکپارچه کردن خدمات بالینی با نظریه و پژوهش‌های مربوطه و انتشار اطلاعات درباره نظریه، عمل و پژوهش درباره‌ی اوتیسم از طریق آموزش و تشریحات محلی، ملی و بین‌المللی.

تیج چیست؟

بارها بیاناتی اظهار می‌شوند که تصویر اشتباهی از روش تیج آرایه می‌دهند « تیج امکان کار درمانی را فراهم می‌کند »، « انتظارات تیج پایین هستند » یا « تیج اعتقادی به برانزندی فزاینده ندارد »، این قبیل سخنان را مردم با تأکید می‌گویند. روش تیج کاملاً متفاوت و بسیار قابل انعطاف‌تر از این گونه توصیف اشتباه است. این بیانیه کوتاه برای آرایه اولویت‌های روش تیج طراحی شده است.

روش تیج که در اوایل دهه ۱۹۷۰ توسط اریک شوپلر آرایه شده شامل تمرکز بر روی شخص مبتلا به درخودماندگی (اتیسم) و ایجاد برنامه‌ای درمورد مهارت‌ها، علایق و نیازهای چنین شخصی است.

اولویت‌های عمده شامل عطف توجه به شخص، درک اتیسم، قبول انطباق‌های مناسب و استراتژی‌مداخله وسیع بر مبنای مهارت‌ها و علایق موجود است. منظور ما از تمرکز بر روی شخص این است که به جای هر گونه افکار فیلسوفانه مانند در برگیری، آموزش کوشش ناپیوسته، تسهیل ارتباط و غیره، شخص از اولویت‌برخوردار است. ما سنجش انفرادی را در جهت درک فرد و همچنین « فرهنگ اتیسم » مورد تأکید قرار می‌دهیم که می‌گوید اشخاص درخودمانده (اتیستیک) بخشی از گروه مشخص با ویژگی‌های مشترک می‌باشند که با ما تفاوت دارند اما لزوماً پایین‌تر از بقیه ما نیستند.



تأکید بر سنجش در خودماندگی و فرهنگ آن، ما را ملزم به درک مبتلایان به آن همان صورتی که هستند و ساخت برنامه‌هایی در مورد محلی می‌سازد که هر شخص در آنجا انجام وظیفه می‌کند. این امر به معنی انتظاراتی پایین‌تر یا بالاتر نیست و فقط مستلزم شروع از موقعیتی است که افراد در آن بسر می‌برند و کمک به آنها در پیشرفت تا حد توانشان است. این موضوع با دفاع از یک الگوی « عادی » برای همه و ملزم کردن افراد مبتلا به درخودماندگی به قرار گرفتن در آن قالب اعم از اینکه برایشان راحت باشد یا نباشد، متفاوت است.

آموزش ساختار یافته به علت پژوهش‌های تیج و تجربه اینکه ساختار مزبور مؤثرتر از سایر روش‌هایی که مشاهده کرده‌ایم، با « فرهنگ اتیسم » سازگاری دارد، از اولویت‌مهمی برخوردار است.

در این مفهوم تیج هیچ تفاوتی با سایر برنامه‌ها ندارد. از طرف دیگر، بیشتر برنامه‌های مربوط به ناتوانایی‌های رشدی بر جبران کمبودها تأکید و همه توجه و مساعی خود را به آن هدف معطوف می‌کند. روش ما ضمن احترام به «فرهنگ اتیسم» تشخیص داد که تفاوت‌های بین افراد با درخودماندگی و سایر افراد گاهی می‌تواند به نفع مبتلایان به اتیسم باشد. توانایی آنها در مهارت‌های بینایی، تشخیص جزئیات و حافظه در میان سایر موارد می‌تواند بر مبنای عملکرد بزرگسال گونه موفقیت‌آمیز آنها تبدیل شود. اگر چه آنها ممکن است از دید ما عجیب و غریب باشند اما تیج مشاهده کرده است که سرمایه‌گذاری روی علایق آنها به افزایش انگیزه ایشان و درک آنچه انجام می‌دهند کمک می‌کند.

به جای وادار و مجبور کردن آنها به طی مسیرهایی که مورد علاقه آنها نیست و چیزی از آن درک نمی‌کنند، این راهکارها، تلاش در جهت کار مثبت و بهره‌وری این افراد را تقویت می‌کنند. روش تیج از دامنه وسیعی نیز برخوردار است و کلیه جوانب زندگی مبتلایان به درخودماندگی و خانواده‌های آنان را مورد توجه قرار می‌دهد. اگر چه مهارت‌های کاری مستقل مورد تأکید می‌باشند اما این امر نیز پذیرفته شده است که زندگی همه‌اش کار نیست و مبتلایان به درخودماندگی می‌توانند مهارت‌های ارتباطی، اجتماعی و تفریحی را نیز بیاموزند و این موارد تأثیر زیادی در رفاه آنها دارد.

ایجاد مهارت‌های ارتباطی، پی‌گیری علایق اجتماعی و

تفریحی و تشویق مبتلایان به درخودماندگی

به دنبال کردن فرصت‌های مزبور بخش

مهمی از برنامه‌درسی تیج را تشکیل می‌دهند.

علاوه بر روش‌ها و شیوه‌های مزبور در خصوص درک درخودماندگی، ایجاد ساختارهای مناسب، تقویت مهارت‌های کاری مستقل، تأکید بر توانایی‌ها و علایق و پشتیبانی از مفرهای ارتباطی، اجتماعی و تفریحی، روش تیج به طور بسیار موفقیت‌آمیزی در سطح یک سامانه قابل اجرا است. براساس این مفهوم که هماهنگی و

سازماندهی محیط فیزیکی، ایجاد جدول‌های زمانی و سامانه‌های کاری، صریح و شفاف‌سازی انتظارات و استفاده از مطالب بصری، راه‌های مؤثر ایجاد مهارت‌ها و قادر ساختن افراد با درخودماندگی به استفاده از این مهارت‌ها بدون وابستگی به راهنمایی و یادآوری مستقیم بزرگسالان می‌باشند.



این اولویت‌ها به خصوص برای دانش‌آموزان مبتلا مهم است که بارها به علت عدم توانایی‌شان از کار کردن مستقل در وضعیت‌های مختلف باز مانده‌اند. آموزش ساختار یافته درمورد اینکه مبتلایان به درخودماندگی در کجا باید تحصیل کنند، ساکت است. این تصمیم‌بر مبنای مهارت‌ها و نیازهای فردی هر یک از دانش‌آموزان استوار است. برخی از آنها می‌توانند به طور مؤثر کار کنند و از برنامه‌های تحصیلی منظم بهره‌مند شوند در حالی که برخی دیگر برای تمام یا بخشی از روز نیاز به کلاس‌های مخصوصی خواهند داشت که در آن بتوان برای بازتاب دادن به نیازهای شخصی، محیط فیزیکی، برنامه درسی و کارکنان را سازمان داد.

پرورش توانایی‌ها و علاقه‌ها به جای تمرین صرف بر

روی کمبودها، یکی دیگر از اولویت‌های مهم است.

بدیهی است که هر برنامه کار یا معلول

افراد باید موازنه‌ای را بین ایجاد

مهارت‌ها و جبران کمبودها برقرار کند

همکاری مبتنی بر اصول همسان در طول زندگی است. بنابراین ضمن جمع‌آوری آهسته نظرات جدید پس از اثبات مؤثر بودن آنها، ما سعی در حفظ استمرار روش خود داریم. اصول تیج ما که در سال ۱۹۷۴ ایجاد شدند در طول زمان مورد آزمایش قرار گرفته‌اند و بزرگسالانی که با این اصول پرورش یافته‌اند اکنون جزو سودمندترین و موفق‌ترین افراد در دنیا با زندگی‌هایی پر حاصل، غنی و ارزشمند هستند.

یکپارچه‌سازی به مرور زمان در یک وضعیت فرضی از اهمیت یکسانی با همسازی برخوردار است، روش تیج به هنگام اعمال آن نسبت به گروه‌ها و عوامل نسبی بیشترین تأثیر را دارد. افراد حرفه‌ای بیشتر وقت‌ها بر حفظ محیط همسان به صورت روزمره تأکید می‌ورزند اما یک کودک با تغییر محیط در طول زمان از یک روش به روش دیگری جهش می‌کند. بخش تیج معتقد است که بهترین راه تحقق علایق مبتلایان به درخودماندگی برنامه‌ریزی هماهنگ و توأم با

